

چراغ هیئت متحده شاهزاده علی اصغر (ع)
از دهه ۲۰ به دست ۳ نسل روشن مانده است

۵۴

رسم دلدادگی از پدر به پسر



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

پدر و مادر شهید کریم زادگان، بخشی از منزلشان را
برای فعالیت نوجوانان اختصاص دادند

آشپانه محلی دختران
«حضرت خدیجه» (س)

۶



مشکل دیرینه فرسوده بودن پیاده‌روهای
خیابان شهید نامجو همچنان پابرجاست
نفسی بریده پیاده‌رو

۳

روایت ۱۳ سالگی حسینیان مقدم
که برای دفاع از وطن، قانون و خانواده را دور زد
عشقی فراتر از سن

۷

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۱۰۴۵۹۵۱ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.



شما چه خبر

● بانوان محله سیدی در مسیر مهارت‌های زندگی

با همکاری کارگروه مهارت‌افزایی دفتر توسعه محلات پهنه سیدی و مرکز بهداشت شماره ۵، کارگاه آموزشی اجتماعی در محله سیدی برگزار شد. این کارگاه که در دفتر توسعه محلات پهنه سیدی تشکیل شد، به میبخت افزایش مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی بانوان پرداخت. قرار است این دست کارگاه‌های شاد و نشاط‌انگیز آموزشی، هر هفته یکشنبه ساعت ۱۰ صبح در دفتر توسعه محله به نشانی خلیج ۱۲، دایمی ۲۳، پلاک ۵۴۱ برگزار شود. چنانچه مساجد، مدارس و دیگر مراکز اجتماعی پهنه سیدی تمایل دارند دوره‌های آموزشی در مسجد و مجموعه‌شان برگزار شود، می‌توانند به دفتر توسعه اعلام کنند.



● اهالی خلیج در منزل شهید جهانی

اهالی و مسجدی‌های محله خلیج با مادر شهید محمد جهانی، شهید و الامقام دفاع مقدس، دیدار کردند. شهید جهانی سال ۶۱ در شانزده سالگی به شهادت رسید و دایمی اش نیز سال ۶۷ در عملیات مرصاد به فیض شهادت نائل آمد. مادر شهید حدود پنج سال است که از تهران به مشهد آمده و پیکر شهید نیز در تهران به خاک سپرده شده است. در این دیدار، مادر و خواهر شهید جهانی از خاطرات و ویژگی‌های اخلاقی آن دو تعریف کردند و حاضران با شنیدن این روایت‌های صمیمی، از روحیه ایثار و تربیت ارزشمند این خانواده گفتند.

● عیادت از جانباز مصدوم محله

اهالی محله کوشش، با خانواده جانباز و ایثارگر دفاع مقدس، محمد حسین علیدوست، دیدار کردند. این دیدار با هدف دلجویی، قدردانی و پیگیری وضعیت سلامتی ایشان پس از حادثه اخیر برگزار شد. علیدوست، چند روز پیش در مسیر ویژه اتوبوس نزدیک میدان بیت المقدس دچار سانحه شده است و همچنان مراحل درمانی خود را دنبال می‌کند. هم محله‌ای‌ها با سرزدن به این خانواده ایثارگر، درباره جزئیات حادثه و روند درمان پرس و جو کردند و قول دادند در ادامه مسیر، کنارشان بمانند و همراهی‌شان کنند.



● جهاد دانش در طرق

در شرایط جنگی و مجازی شدن مدارس، قرارگاه جهادی مردمی سردار شهید حاج حسین همدانی و «مرکز خیریه و نیکوکاری سفیران شهر بهشت»، در محله رباط طرق با همکاری معلمان فداکار دبستان قائم (عج) و دبستان دخترانه صدیقه کبری (س) در این محله، نشان دادند که نور دانش خاموش نمی‌شود. این معلم‌های فداکار و دلسوز جهادی، برای دانش‌آموزان دبستان دور اول و دوم، کلاس‌های رفع اشکال برگزار کردند. کلاس‌ها در مرکز خیریه و نیکوکاری سفیران شهر بهشت هر روز برپاست.



پیگیرانه

در پی گزارش شهرآرام محله از کیفیت نامطلوب آب در پهنه سیدی انجام شد

همفکری برای بهبود کیفیت آب

سمیرا منشادی ۱۶ آبان و ۱۹ اسفند سال گذشته، درد و گزارش مجزاد باره کاهش فشار و طعم نامطبوع آب در پهنه سیدی و طرق در شهرآرام محله نوشتیم. پیگیری‌های شهرآرام محله و مطالبه‌گری ساکنان منطقه باعث شد مسئولان به این معضل بیشتر توجه کنند. در ادامه این پیگیری‌ها، هفته گذشته جلسه‌ای با حضور حسین اسماعیلیان مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب مشهد، حجت الاسلام والمسلمین نصرآ... پژمانفر، نماینده مردم مشهد در مجلس و رئیس کمیسیون اصل ۹۰، رضا داوری، شهردار منطقه ۷ و جمعی از شورای معتمدان محله سیدی برگزار شد.

در این نشست، راهکارهای بهبود کیفیت آب منطقه و رفع مشکلات مربوط به آن بررسی شد. در پایان جلسه نیز مصوباتی با قید فوریت به تصویب رسید که قرار است اجرای آن‌ها از سوی نماینده شورای معتمدان و مطالبه‌گران منطقه پیگیری شود.



شهرداری منطقه ۷، آماده خدمت شهری

در پی اطفای آتش سوزی یک خودروی پرپرید توسط نیروهای آتش‌نشانی، پاکبان‌های شهرداری منطقه ۷ بلافاصله برای نظافت و پاک‌سازی کامل آثار حادثه وارد عمل شدند و سطح خیابان را به حالت اولیه بازگرداندند. حوزه‌های خدماتی شهرداری منطقه ۷ در آمادگی کامل برای همکاری با دستگاه‌های خدمت‌رسان در حوادث شهری قرار دارد.



شهر خبر

لحظه‌های خوش دخترانه در تجمع محله عسکریه

جشن میلاد حضرت معصومه (س) در اجتماع محله عسکریه برگزار شد. کانون فرهنگی مذهبی مسجد امام حسن عسکری (ع)، کانون فرهنگی هنری شهید غلامحسین نظر جانی و کانون فرهنگی هنری حضرت معصومه (س) با همکاری هم برپایی این مراسم را به عهده داشتند. در این جشن به دخترانی که نامشان معصومه بود، هدایایی داده شد.

محله سیدی در ایستگاه سلامت

ایستگاه خدمات‌امدادی در محله سیدی، نیش چهارراه دایمی به همت شورای اجتماعی این محله برای ارائه خدمات سلامت به اهالی راه‌اندازی شد. این ایستگاه هر شب از ساعت ۲۰ تا ۲۲ فعال است و تا پایان اجتماعات در شب‌های آینده ادامه خواهد یافت. خدماتی مانند تست قند خون، سنجش وزن و اندازه‌گیری فشار خون به رایگان در آن انجام می‌شود.

او می‌افزاید: چند بار نزدیک بود روی همین موزائیک‌های تق‌ولق، زمین بخورم. باید هر لحظه حواسم باشد کجا قدم می‌گذارم. این طور نمی‌شود؛ بالاخره آدم‌های مسن هم باید بتوانند راحت راه بروند.

● خطر در کمین عابر پیاده

میان رفت و آمدهای روزانه، نسرین عباسی، مادریک کودک خردسال، اغلب با کالسکه از این مسیر می‌گذرد. او از مشکلاتش چنین می‌گوید: وقتی پیاده‌رو صاف نباشد، تردد کالسکه‌ها سخت می‌شود. چرخ‌ها در چاله‌های کوچک گیر می‌کنند و ممکن است بچه از کالسکه بیرون بیفتد؛ بنابراین مجبور می‌شوم وارد خیابان شوم.

نسرین خانم توضیح می‌دهد: داخل خیابان هم ماشین‌ها سرعت می‌گیرند و خطرناک است. اگر پیاده‌رو درست باشد، ما مادرها با خیال راحت تری از مسیر عبور می‌کنیم.

حسن مهاجر، دانشجوی ساکن همین محدوده می‌گوید: چاله‌هایی که در اثر فرسودگی ایجاد شده است، باعث می‌شود وقتی باران می‌بارد، زمین گل شود و وقتی زمین خشک باشد، گرد و خاک بلند می‌کند. همه می‌گویند قرار است پیاده‌روها سامان دهی شود اما هیچ‌کس نمی‌داند دقیقا کی این اتفاق می‌افتد.

مهاجر اضافه می‌کند: همه می‌دانند که خیابان نامجاز معابر اصلی و پرتردد محله است. شهرداری با بهسازی این پیاده‌رو علاوه بر اینکه مشکل ساکنان را برطرف می‌کند، به زیبایی محله و بهبود امنیت هم کمک خواهد کرد.

● خیابان شهید نامجو در اولویت نیست

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸ در پاسخ به این مشکل توضیح می‌دهد: بهسازی پیاده‌روهای شهر بر اساس نیاز مردم اولویت بندی می‌شود. طراحی بهسازی پیاده‌روهای بولوار شهید نامجو انجام شده است ولی باتوجه به تعدد معابر پیاده‌رو منطقه ۸ شهری در حال حاضر اولویت اجرا ندارد.

سبحان ضیایی می‌افزاید: درخواست اعتبار برای اجرای بهسازی پیاده‌روها به سازمان عمران شهرداری داده شده است تا با اختصاص اعتبار و براساس اولویت‌های مشخص شده بهسازی پیاده‌روها انجام شود.



● سال‌ها انتظار برای مرمتی ساده

جعفر دین پناه از کاسبان قدیمی خیابان شهید نامجوست. او با نگاهی به سنگ‌فرش‌های جلو مغازه، می‌گوید: سوپرمارکتم راه ۱۰ سال پیش راه‌انداختم. از همان موقع تا الان حتی یک بار برای مرمت بخش‌های شکسته و فرسوده اقدام نشده است.

او ادامه می‌دهد: بعضی از موزائیک‌ها لقی شده است. به طوری که وقتی رویشان قدم می‌گذاری، تکان می‌خورند. خیلی وقت‌ها مشتری‌هایم گویند نزدیک بوده است پیشان پیچ بخورد و زمین بیفتند. برای این میزان رفت و آمد، شرایط نامناسب است.

زهرا محمودی، یکی از بانوان سالمند محله، عبور روزانه‌اش از این مسیر را بسیار دشوار توصیف می‌کند: هر روز باید از این خیابان رد شوم و به خانه دخترم بروم تا ز بچه‌های اونگهداری کنم. پاهایم مثل قوی نیست. وقتی زمین ناهموار باشد، هر لحظه ممکن است بیفتم.

طراحی بهسازی پیاده‌روهای بولوار نامجو انجام شده است ولی باتوجه به تعدد معابر پیاده‌رو منطقه ۸ شهری در حال حاضر اولویت اجرا ندارد

مشکل دیرینه فرسوده بودن پیاده‌روهای خیابان شهید نامجو همچنان پابرجاست

نفس بریده پیاده‌رو

نجمه موسوی زاده | محله شهید بهشتی مدت‌هاست با مشکلی روبه‌روست که گرچه ساده به نظر می‌رسد، زندگی روزمره بسیاری از اهالی را تحت تأثیر قرار داده است: پیاده‌روهای خیابان شهید نامجو که یکی از گذرگاه‌های پرتردد محله به شمار می‌رود، بسیار فرسوده است و نیاز به بهسازی دارد.

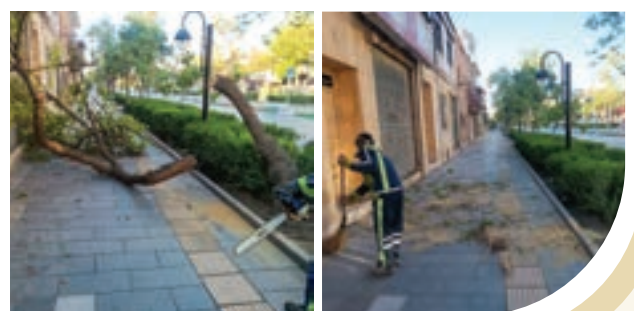
این خیابان به دلیل داشتن مغازه‌ها، مدارس و مسیرهای اتصال دهنده هر روز با تردد تعداد زیادی از عابران پیاده روبه‌روست. باین حال، وضعیت نامناسب موزائیک‌ها و وجود چاله‌ها، ناهمواری‌ها و پخش‌های ترک خورده باعث شده است تردد در آن برای بسیاری از شهروندان دشوار و حتی خطرناک باشد.

سال‌هاست که اهالی از نبود رسیدگی و مرمت گلیه دارند و معتقدند که پیاده‌روهای خیابان شهید نامجو بیش از هر زمان دیگری، نیازمند بازسازی و سامان دهی است.



با اطلاع‌رسانی شهرآرامحله و اقدام بموقع اداره فضای سبز منطقه ۸ انجام شد
رفع خطر از مسیر تردد نایبانیان

نجمه موسوی زاده | هفته گذشته، یکی از شهروندان با ما تماس گرفت و خبر داد یک درخت حدفاصل بولوار امام خمینی ۳۸ و ۴۰ خم شده است که در مسیر تردد نایبانیان قرار دارد و برای این عابران خطرآفرین است. شهرآرامحله این موضوع را به رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸ منتقل کرد. به دستور سید محمود ثریایی، این مشکل در کمتر از ۲۴ ساعت رسیدگی و درخت یاد شده قطع شد.



آسفالت نونوار خیابان سرشوره ۱۰

خیابان سرشوره ۱۰ به مساحت ۹۰۰ متر مربع روکش آسفالت شد. در راستای بهبود وضعیت معابر و تسهیل تردد شهروندان، عملیات روکش آسفالت این خیابان با استفاده از ۸۵ تن آسفالت گرم اجرا شد. این معبر در محدوده رفت و آمد به حرم مطهر قرار دارد و مسیر تردد زائران بسیاری است.

ترمیم زخم‌های پیاده‌رو بازار جنت

بازسازی سنگ‌فرش‌های پیاده‌رو بازار جنت، توسط اکیپ امور راهبری ۱۳۷ منطقه ۸ در حال انجام است. با بررسی‌های میدانی انجام شده، بیش از شصت نقطه آسیب دیده در این محور شناسایی شده است که به صورت مرحله‌ای مرمت خواهد شد. جنت از بازارهای قدیمی و بنام مشهد است که روزانه زائران و مجاوران به آن رفت و آمد می‌کنند.

تجربه سبز برای دانش‌آموزان

۱۶۸ اصله نهال، توسط دانش‌آموزان مدرسه غیردولتی رضوان کاشته شد. در راستای فرمایشات رهبر معظم انقلاب مبنی بر کاشت درخت و گرامیداشت یاد شهدای مدرسه میناب، مراسم کاشت ۱۶۸ اصله نهال توسط دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان با حضور رئیس اداره فضای سبز منطقه ۸ در سایت جنوبی بوستان کوهسنگی برگزار شد.



چراغ هیئت متحده شاهزاده علی اصغر(ع) از دهه ۲۰ به دست ۳ نسل روشن مانده است

رسم دلدادگی از پدر به پسر



ساخت بنای اصغریه در دهه ۳۰



هادی مسلم دوست، ۶۱ ساله، از وقتی به خاطر دارد همراه پدر در مسجد وقت گذرانده است. او از سال ۱۳۷۶، بعد از فوت پدرش، مسئولیت هیئت متحده شاهزاده علی اصغر(ع) را به عهده گرفت. به گفته آقاهادی، این تشکل مذهبی سال ۱۳۲۸ در مسجد صنعتگران محله امام رضا(ع) دایر شد و مراسم هفتگی خود را آنجا برگزار می‌کرد. تا اینکه مرحوم محمد حسین مسلم دوست به محله امام خمینی(ع) نقل مکان کرد. او تصمیم گرفت هیئت را به محله خودشان انتقال بدهد.

دل بزرگ دختر قالی باف

از همان روزی که زمینی به هیئت واگذار شد، مردم محله برای ساخت بنای اصغریه پیش قدم شدند. هرچند اعضای هیئت برای ساخت بنا کمک‌های مالی بزرگی تقدیم کردند. ساختمان بدون کمک مردم احداث نمی‌شد. بین سال‌های ۳۳ و ۳۴ با اینکه ساختمان اصغریه نصفه نیمه

بود، مردم روی زمین خاکی که کنار مسجد ۱۴ معصوم(ع) بود، چادر می‌زدند و مراسمشان را برگزار می‌کردند. وقتی بانیان برای ادامه ساخت و ساز نیاز به کمک مالی داشتند، تصمیم گرفتند از مردم کمک بگیرند. هادی به نقل از پدرش می‌گوید: در شب اول محرم و شروع عزاداری‌ها، بانیان ساخت بنای اصغریه به میان عزاداران آمدند و اعلام کردند برای ادامه ساخت و ساز نیاز به همت آن‌ها دارند. در همان جمعیت، دختر خانمی پس انداز یک سال قالی بافی اش را که ۱۸ قران و ۱۰ شاهی بوده، برای ساخت بنا اهدا کرد. پدرم همیشه می‌گفت اولین کمک از طرف آن دختر بود. پولی که باز حمت و کارگری برای ساخت بنا جمع شده است، برکت دارد. در آن شب ۳۲ هزار تومان کمک‌های مردم و هیئتی‌ها جمع شد و کار ساخت بنا ادامه پیدا کرد. سال ۱۳۳۷ بنای اصغریه تکمیل شد.

هیئت متحده شاهزاده علی اصغر(ع) هیئتی سنتی است که در آن قرائت قرآن، مولودی خوانی، عزاداری در محرم و صفر و مراسم ویژه ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود. این هیئت، ولادت حضرت علی اصغر(ع) را با شکوه هرچه تمام‌تر برگزار می‌کنند. این همان رسم و آیینی است که از گذشته بوده است و هنوز اجرا می‌شود. این هیئت، ماه مبارک رمضان هر سال، شب‌ها جلسه روخوانی قرآن برگزار می‌کند. مراسم شب‌های قدر برای بانوان و آقایان هم به صورت ویژه در این فضا برگزار می‌شود.

سمیرا منشادی وارد مسجد شاهزاده علی اصغر(ع) که بعد از افطار در فضا می‌پوشد. انگار شه به بیننده خوشامد می‌گویند. خاطره هزاران قدم را در هر گوشه اش داستانی تا آرامش بعد از روزه تصمیم‌های بزرگ در بنای اینجایی توان خن که بادست‌های خالی، لبریز از شوق، مجلس بر تاز به ساز شده است. هنوز در گوشه و کنارش چوبی قدیمی هیئت گرفته‌اند. ظاهر عاشورا که نگاه را اینجاقط یک هیئت نیست از محله امام خمینی(ع) جای که نام بانیا نش پای صحبت اعضای قد شکل‌گیری هیئتی را می‌شروع شد. با همت اهالی یک خانواده بزرگ در آمد.



ارثیه‌ای که خرج بازسازی شد

سال ۱۳۹۳ هادی مسلم دوست با سهم ارثی که از پدرش به او رسید، تصمیم گرفت بنای قدیمی اصغریه را بازسازی کند. در این راه، او ۷۰ میلیون تومان وسط گذاشت و سایر خیران و هیئتی‌ها هم هر کدام مبلغی کمک کردند. در مجموع با مبلغ ۳۷۵ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶ بازسازی به پایان رسید. مسلم دوست در این باره توضیح می‌دهد: یکی از دلایلی که بنای اصغریه را بازسازی کردیم، کمبود فضا برای برگزاری مراسم بود. تعداد هیئتی‌های بیشتر نشده بود و نیاز داشتیم مکان را گسترش بدهیم. با ارثیه‌ای که به دستم رسید، کار را شروع کردم و دیگران هم کمک کردند. این مبلغ تنها برای خرید مصالح و آهن



هزینه شد؛ هیچ‌کدام از بناها، استادکاران و... دستمزدی نگرفتند.

بنای اولیه، حیاط کوچکی داشت که با مسجد چهارده معصوم(ع) که در کنار هیئت قرار دارد، مشترک بود. بعد از بازسازی، بخشی از فضای حیاط به مساحت اصغریه اضافه شد. علاوه بر این، در زیرزمین سرویس بهداشتی، آبدارخانه، اتاق کودک و در قسمت فوقانی ساختمان، بالکن بزرگی به ساختمان اصغریه اضافه شد. آشپزخانه هیئت هم که در زیرزمین بود، تجهیز شد.

علم قدیمی هیئت

این هیئت چند علم دارد. قدیمی‌ترین آن، ۱۷۰ سال قدمت دارد و به گفته هیئتی‌های شاهزاده علی اصغر(ع)، یکی از علم‌های قدیمی در مشهد است که در اصفهان ساخته و به تهران فرستاده شد.

مسلم دوست در این باره می‌گوید: مرحوم حاج احمد احمدزاده که همسایه قدیمی مسجد بود، حدود پنجاه سال قبل، این علم را از تهران خرید و آن را به هیئت هدیه کرد.

مسلم دوست وقف نامه علم را از مرحوم احمدزاده در اختیار دارد؛ در آن وقف نامه آمده است که این علم، حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ کیلوگرم وزن دارد و دارای مقادیری طلا، نقره و فیروزه است.



۱۴ شهید هیئت

علم قدیمی هیئت در دهه ۶۰، هنگامی که شهید ادر مشهد تشییع می شدند، پیشاپیش پیکر شهید حرکت می کرد. مسلم دوست می گوید: هیئت ما در دهه ۶۰ که پیکر شهید از خیابان خسروی تا حرم تشییع می شد، در مراسم حضور داشت. مرحوم پدرم که شاعر و مداح اهل بیت (ع) بود، با اشعاری که خودش برای شهید می سرود، به فضا شوری حماسی می داد. پدر در سال ۱۳۶۴ اشعارش را در کتابی به نام «نغمه های جان سوز» جمع آوری کرد که از آن در هیئت، برای مولودی و مداحی استفاده می شود.

ناگفته نماند که هیئت متحده شاهزاده علی اصغر (ع) شهید دارد که عکس های آن ها روی یک بنر روی دیواری در ساختمان اصغریه نصب شده است.

دعاکن غذاکم نیاید

آقاها دی بعد از فوت پدرش مسئولیت هیئت را بر عهده گرفت. در این مدت خاطرات بسیاری برایش رقم خورده است. اما هیچ وقت خاطره محرم سال ۱۳۸۶ را فراموش نمی کند. حتی حالا هم که آن را بر ایمان تعریف می کند، می خندد و می گوید: نمی دانم چرا وقتی مرحوم حسن آقا، آشپز قدیمی هیئت، فهرست خرید برای شام شب را به من داد، هنگام تهیه برنج برای ۵۰ تا ۷۰ نفر، از میزان همیشه ۱۳ کیلو کمتر برنج خریدم. وقتی خریدها را به مرحوم حاج حسن دادم، او حسابی ناراحت شد و گفت: «دعاکن غذاکم نیاید». آن شب هیئت از همیشه شلوغ تر بود و آقاها دی با دیدن جمعیت، دل توی دلش نبوده که چطور این جمعیت با آن مقدار برنج قرار است پذیرایی شوند. هنگام توزیع شام، مرحوم حاج حسن، آقاها دی و چند نفر دیگر را صدا کردند و به هیچ فرد دیگری اجازه ورود ندادند؛ از پله های آشپزخانه که پایین رفتم، دیدم مثل همیشه سجاده اش کنار دیگ ها پهن و در حال راز و نیاز است. حسن آقا گفت درهای آشپزخانه را ببندم و خورش را توی ظرف ها بریزم. آن شب حدود ۷۰۰ نفر

ند و حسینی هیئت متحده می نشوی، بوی چای تازه دم بیچند و علم ها محرم را به یاد در قاب عکس روی دیوار بیند. فرش های پهن شده، خود نگه داشته است. اینجا دارد؛ از اشک های بی صدا، از همدلی های ساده تا

طرویتی پیدا کرد از مردانی بیئت را ساختند و بادل های پاک کردند. ساختمان هیئت، اما نشانه های گذشته نفس می کشند؛ از تابلو ته تا علم های بلند و پرده بیخکوب می کند.

ت: خاطره مشترک چند نسل ر خیابان بوستان ۸ است. با احترام برده می شود. می که می نشینی، قصه سنوی که از خانه های مردم قد کشید و امروز به وسعت ه است.

راغداد ایم و بعد خودمانی ها و بعد هم من و خودش و سایر کسانی که دست اندر کار بودیم، شام خوردیم. اضطرابی را که آن شب، من و آشپز هیئت تجربه کردیم، هیچ وقت از خاطر نمی برم.»

در این سال ها برخی از اعضای هیئت از محله رفته و برخی دیگر با آمدن به این کوچه، عضو هیئت شده اند. مسلم دوست می گوید: خیلی از آن هایی که از محله رفته اند، برای مراسم، حتی از دورترین نقاط شهر به اصغریه می آیند. پدرها با پسرها و نوه هایشان می آیند و این زیبایی هیئت ماست. ما بیش از ۶۰ عضو ثابت داریم و نزدیک به ۳۰۰ عضو که به همراه خانواده هایشان در مراسم حضور پیدا می کنند. هر هفته مراسم دعای ندبه و جلسه قرآن قدیمی برپاست.

نذر عاشورایی

پرده بزرگ ظهر عاشورا روی یکی از دیوارهای هیئت جلوه خاصی دارد. علی علیپور از سال ۱۳۷۵ با این هیئت آشنا شده و پرده ظهر عاشورا را او تهیه و اهدا کرده است. خودش می گوید: خوابی از واقعه کربلا دیدم که بسیار رویم تأثیر گذاشت. بعد از آن دنبال فردی گشتم تا تصویر ظهر عاشورا را روی پرده ای برایم بکشد. حالا سال هاست که در مراسم محرم و صفر، این تصویر همراه هیئت به سمت حرم رضوی فرستاده می شود.

علی آقا با اینکه در محله دیگری سکونت دارد، در بیشتر مراسم هیئت شرکت می کند. برای او هیئت متحده شاهزاده علی اصغر جایی است که مراسم سنتی با خلوص برگزار می شود و از تجملات برخی هیئت ها دور مانده است.

مرحوم حسن آقا، آشپز خاص هیئت

احمد قیاسی، هفتاد و سه ساله، از قدیمی های این محله است. او نانو است و از سال ۱۳۵۴ که نانواپی خودش را دایر کرده، تأمین نان دعای ندبه هیئت را به عهده گرفته است. احمد آقا ارادت خاصی به اهل بیت (ع) دارد و معتقد است با این خیرات،



در کرونای مراسم دایر بود

حسین اسدیان که از هشت سال قبل در این محله ساکن و با هیئت آشنا شده است، می گوید: عزاداری و برگزاری مراسم در هیئت متحده شاهزاده علی اصغر (ع) شور و حال دیگری دارد.



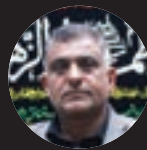
او ادامه می دهد: مراسم در این هیئت از ساعت ۲۰:۳۰ شروع می شود و ساعت ۲۳ با پذیرایی به پایان می رسد. مدیریت هیئت در اجرای خوب برنامه، جایگاه ویژه ای دارد. بانوان می توانند در فضای مخصوص خود حضور پیدا کنند. برای بچه های مهد کودک در نظر گرفته شده است تا بزرگ ترها با خیال آسوده به مراسمشان بپردازند.



عکس نیل دوم و سوم هیئت در سال ۱۳۹۲

برای آشپزی اجازه گرفتیم

مهدی داغیانوسی از کودکی در همین محله بزرگ شده است. برادر مهدی یکی از شهدای این محله و خودش هم از جانبازان دفاع مقدس است. او یکی از آشپزهای هیئت است و به خاطر



علاقه اش کنار دست مرحوم حسن آقا آشپزی را یاد گرفت. او درباره حسن آقا می گوید: او ایل فقط برای شستن ظروف به آشپزخانه می رفتم اما وقتی مرحوم علاقه ام را دید، اجازه داد کارهای کوچک را انجام بدهم. بعد ها که او فوت کرد، با کمک و همراهی دیگران، آشپزی هیئت را به دست گرفتیم.

علی اکبر جاویدان، پنجاه و سه ساله و بزرگ شده همین محله است. در ادامه صحبت های داغیانوسی، خاطره های ریز و درشتش از هیئت یکی پس از دیگری در ذهنش جان می گیرند. او می گوید: هیئت ما حال و هوای خاصی در روز عاشورا داشت و دارد. در گذشته، غذای روز عاشورا را روی چوب و کنده درست می کردند. بوی چوب سوخته کل فضا را می گرفت. بچه ها هر کدام گوشه ای از کار را می گرفتند؛ از شستن ظرف گرفته تا سفره جمع کردن و پهن کردن برای نزدیک به ۶۰۰ نفر.



پدر و مادر شهید کریم زادگان، بخشی از منزلشان را برای فعالیت نوجوانان اختصاص دادند

آشیانه محلی دختران «حضرت خدیجه» (س)



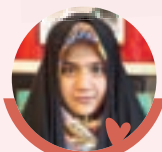
راه تجربه



محبوبه فرامرزی دخترها دور هم نشسته اند و نخودی می خندند. فاطمه سادات و دوستانش همگی چادر به سر دارند. گاه با هم در گوشه حرف می زنند و گاه در سکوت به صحبت بزرگ ترها گوش می دهند. روی دیوار، کار دستهای هابی نصب شده است که دخترها درستش کرده اند. ماجرا از آنجا شروع شد که هشت ماه پیش در پایگاه بسیج مسجد حقیقی تصمیم گرفتند در محله پاتوقی برای دخترها دست و پا کنند. این شد که بانوان فرهنگی محله همه فکر و ذکرشان پیدا کردن مکانی برای این پاتوق بود. بالاخره سر گرفت و حالا هر پنجشنبه در خانه پدر شهید، دخترها دور هم چند ساعتی وقت می گذرانند. آن هابک اتاق دوازده متری و یک آشپزخانه را با علاقه برای برگزاری هفتگی پاتوقشان در مدت دو هفته آماده کردند. حالانش ماهی می شود که این فضا در خانه پدر شهید سعید کریم زادگان در اختیار آن هاست. بعد از گذشت این مدت دخترهای پاتوق حضرت خدیجه (س) که ۱۰ نفرند، حسابی با پدر و مادر شهید خو گرفته اند.

روزشماری برای رسیدن پنجشنبه ها

فاطمه سادات سعادت دار کلاس ششم درس می خواند. او که از اولین پنجشنبه به این پاتوق آمده است، می گوید: روزشماری می کنم هفته تمام شود و پنجشنبه ها با دخترهای همسایه به اینجا بیاییم. از وقتی در این دورهمی شرکت می کنم، هم قرآنم بهتر شده است و هم در برنامه های مسجد بیشتر شرکت می کنم. به گفته فاطمه آن ها سرود تمرین کرده و همان را در برنامه های مسجد اجرا می کنند؛ همین به آن ها اعتماد به نفس زیادی داده است. گاهی هم با کمک مربی های بسیج مسجد، تأثیر تمرین می کنند.



پاتوق دختران حضرت خدیجه (س)

دخترها دور هم جمع شدند و دو هفته ای طول کشید تا فضای اتاق را آذین ببندند و برای پاتوق مهیا کنند. آن ها آن قدر با علاقه کار دستی درست می کردند و تصاویر شهدا را روی دیوار می چسباندند که عباس کریم زادگان، پدر شهید، هم سر ذوق آمده بود. طوری که هر وقت خانواده کریم زادگان میهمان داشت، عباس آقا در پاتوق را باز می کرد و به میهمانان می گفت: «بیایید ببینید دخترها چقدر اتاقشان را قشنگ درست کرده اند.» صدیقه عبداللهی معلم قرآن بچه هاست و در مدارس و مساجد هم تدریس می کند. او با حوصله به تلاوت بچه ها گوش می دهد و ایرادشان در قرائت قرآن را تصحیح می کند. او می گوید: وقتی دنبال اسم برای پاتوق می گشتیم، خاطره ای باعث شد پیشنهاد بد هم اسم پاتوق را حضرت خدیجه (س) بگذارند. یک سال آموزش و پرورش می خواست به دخترانی که نامشان حضرت خدیجه (س) است، جایزه بدهد اما آنها در نفر این نام را داشتند؛ به نظرم رسید نام خدیجه مظلوم است. برای همین با موافقت بچه ها اسم پاتوق را حضرت خدیجه (س) گذاشتیم. بعد فهمیدیم اسم مادر بزرگ پدری شهید کریم زادگان هم خدیجه بود.



پیوندهای عمیق در پاتوق

محدثه عارضی ده ساله یکی دیگر از دخترهای پاتوق است. او مدام انگشتش را به نشانه اجازه بلند می کند و نکته ای به حرف های بزرگ ترها اضافه می کند. او می گوید: با نمد و روبان اتاق را تزئین کردیم. هر هفته پدر شهید برایمان خوراکی می آورد. از شیرینی گرفته تا میوه.



او می گوید: در پاتوق با دخترهای همسایه بیشتر دوست شدم. با آن ها در یک مدرسه درس می خوانیم اما از وقتی پنجشنبه ها با هم هستیم، بیشتر توانسته ایم با هم رقیق شویم. محدثه ادامه می دهد: از ساعت ۹ تا ۱۲ پنجشنبه ها در پاتوق هستیم. در این مدت که مدارس مجازی شده این دورهمی را به خاطر دیدن همکلاسی هایمان با جدیت دنبال می کنیم. بچه ها با خوشحالی دور هم نشسته اند و با هم گپ می زنند. از مسجد برایشان یک دیگ آش آورده اند. حالا وقتش رسیده به کمک هم سفره پهن کنند.

“

دفترها در این فضا امام شناسی می آموزند و قرآن تمرین می کنند. سرود می خوانند و در کل سبک زندگی اسلامی را با آموزش می دهند. بیشتر با دخترها درباره مسائل مختلف اعتقادی و سیاسی مانند دفاع از میهن، شهادت و حجاب گفت و گو می کنیم. بسیاری از دختران مادر تجمعات شبانه به همراه خانواده شرکت می کنند. به گفته عبداللهی، دخترها سؤالات زیادی در ذهنشان دارند که با پاسخ دوستانه قانع می شوند؛ راستش ماد هه صصتی ها جواب خیلی از سؤالاتمان را در سنن بالاتر، خودمان پیدا کردیم. دوست ندارم بچه های حالا سؤالات بی جواب داشته باشند. همین قدر در حد توانم است که به دخترهای کلاس، مشاوره و سؤالاتشان را جواب بدهم.»

مادر شهید استقبال کرد

وقتی فعالان فرهنگی مسجد به فکر مکانی برای پاتوقشان بودند، آرزو می بادی که فرمانده بسیج مسجد حقیقی است. در جلسه قرآن محلی از بانوان خواست فضاهای مناسب را به آن ها معرفی کنند. فاطمه منتظر ابدی، مادر شهید کریم زادگان، درنگ نکرد و فوری اعلام کرد گوشه حیاط خانه شان فضایی مناسب دارد. پسر فاطمه خانم تا سال پیش با زن و فرزندش در آن خانه زندگی می کردند اما با به دنیا آمدن فرزند دوشم، دیگر فضای خانه جواب گوی نیاز خانواده ای چهار نفره نبود؛ به همین دلیل آن ها به جای دیگری نقل مکان کردند و سوئیت گوشه خانه، خالی رها شده بود. یک تیر و دو نشان زده شد. با استقبال فاطمه خانم، هم ثواب حضور معنوی دخترها به روح پسر شهیدشان می رسد و هم آن خانه بدون استفاده نبود. استفاده از خانه یک روز در هفته، آن هم سه چهار ساعت، برای فاطمه خانم و همسرش زحمتی نداشت. روز بعد، خانم های پایگاه بسیج آنجا رفتند و با روی باز مادر و پدر شهید مواجه شدند؛ حالا مانده بود جمع کردن دخترهای محله. خانم می بادی یکی یکی در خانه همسایه های کوچه رازد و دختردارها را شناسایی کرد. او دختران نه تا چهارده ساله محله را شناسایی کرد و از مادرانشان خواست اجازه بدهند آن ها هفته ای یک روز به پاتوق بیایند. همین که مادرها می فهمیدند دورهمی دختران بناست در خانه شهید کریم زادگان برگزار شود با خاطری جمع اجازه می دادند.



روایت ۱۳ سالگی حسینیان مقدم که برای دفاع از وطن، قانون و خانواده را دور زد

عشقی فراتر از سن

صندوق
خاطرات

او چون حسین رانمی شناخت ابرادی نگرفت. نگاهش به انگشت جوهری حسین که افتاد، سرش را پایین انداخت؛ لبخندی زد و با این جواب که حسین جوهری بودن انگشتش مربوط به کار مدرسه است، قانع شد.

● دورزدن خانواده برای رسیدن به جبهه!

حسین، بی خبر از خانواده، برای دوره آموزشی به قانات رفت. خانواده اش که مطلع شدند برای پیدا کردنش به یادگان رفتند. او هم برای اینکه پیداایش نکنند از یادگان خارج شد؛ پدرم فهمید آنجا هستم؛ چون اسمم ثبت بود. اما من خودم را نشان ندادم و از یادگان بیرون رفتم. بعد از تمام شدن دوره آموزشی از طریق یکی از اهالی روستا به خانه مان پیغام دادم که در حال اعزام به جبهه هستیم. قرار بود رزمندگان برای صرف ناهار در روستای آن ها توقف کنند. سپس به مشهد بروند. او می دانست اگر به خانه برود، خانواده منصرفش می کنند؛ برای همین با آن اتوبوس نرفت. بلکه سوار ماشین سنگین شد، به گناباد رفت و از آنجا به رزمندگان اعزامی در مشهد پیوست. او می گوید: خانواده ام از چند نفر کمک گرفته بودند تا من را از بین رزمندگان پیدا کنند، غافل از اینکه دستشان را خوانده بودم. پدرم وقتی من را پیدا نکرد بود. به سراغ مسئول اعزام رفته و از او پرس و جو کرده بود. به پدرم گفته بود ندا سمش در لیست هست اما خودش با این گروه نیامده. پانزده روز بعد از جبهه برای خانواده نامه ای نوشتم و به آن ها خبر دادم که حال خوب است. این حال خوب برای حسین نوجوان در طول ۵ ماه خدمتش ادامه داشت.

حسین تعریف می کند: چون دو برادرم در جبهه بودند، پدر و مادرم با رفتنم مخالف بودند. هنوز به روستا برنگشته بودم که دو ستم را دیدم. او وقتی از جریان باخبر شد، پیشنهاد کرد دو سال شناسنامه ام را بزرگتر کنم و به جای امضای والدین، زیرضاییت نامه اثر انگشت بزنم. حسین با مداد، تاریخ تولدش را در شناسنامه دو سال بزرگتر کرد. سپس از روی شناسنامه کپی گرفت و بعد از روی کپی، کپی دیگری تا خط خوردگی کمتر جلب توجه کند. با تکنیکی که برای دست کاری شناسنامه به کار برد، دوباره به آن مسئول در قانات مراجعه کرد. مسئول اعزام وقتی نگاهش به او افتاد، گفت: تو همانی نیستی که چند ساعت قبل آمدی و وردشدی و برگشتی؟ حسین خجالت کشید و بیرون رفت. به فکرش رسید منتظر شود تا مسئول ثبت نام تغییر کند. نفر بعدی که پشت میز نشست، حسین دوباره کپی شناسنامه اش را نشان داد.

سمیرا منشادی اروزی که حسین حسینیان مقدم به جبهه جنوب اعزام شد، نه به سن قانونی برای اعزام رسیده بود و نه خانواده اش از این موضوع خبر داشتند. حسین فقط سیزده سال داشت که راهی جبهه شد. حالا وقتی خاطرات سال های دفاع مقدس را مرور می کند، ذهنش پیر است از نوجوان هایی که برای رسیدن به جبهه دست به هر کاری می زدند؛ از سیاه کردن صورت به جای ریش و سیبیل تا دست بردن در شناسنامه. حالا که سال ها از آن روزها می گذرد و دوباره پای توپ و تانک دشمن صهیونیستی و آمریکایی به میان آمده، حسین آقای پنجاه و سه ساله که در محله مقدم ساکن است، همان شور نوجوانی را در خود احساس می کند و خاطره عجیب اعزام برایش زنده می شود.

● دلم هوای رفتن داشت

حسین آقا متولد روستای خضری دشت بیاض در شهرستان قائن است. روستایی که بیشتر جوانانش در آن سال ها برای دفاع از کشور، یکی پس از دیگری، به جبهه می رفتند. حسین هم دلش هوایی شده بود و می خواست مانند دوستان و دو برادرش محمد و علی، سهمی در دفاع از کشورمان داشته باشد. او بر ایمان از آن روزها این گونه تعریف می کند: وقتی می دیدم هر روز گروهی به جبهه می روند، بدون اینکه به والدینم حرفی بزنم سوار مینی بوس شدم و به قائن رفتم. مسئول ثبت نام با نگاه به شناسنامه حسین می گوید سن داوطلبان باید هجده سال باشد؛ همچنین از والدین رضایت نامه داشته باشند.



معلمان داوطلب محله امام رضا^(ع) در حاشیه اجتماعات کلاس درسی راه انداخته اند

مدرسه در مسجد، ابتکار جدید این روزها

باشد و بانوی دیگری نیز که دبیر ریاضی متوسطه اول است، برای سه شب در هفته اعلام آمادگی کرد تا از ۲۲ فروردین این اتفاق با عنوان «مدرسه در مسجد» رقم بخورد.

● جرعه ابتکاری نو

منیر رنگ ساز ۲۶ سال سابقه معلمی و مدیریت در مقطع ابتدایی دارد. او تعریف می کند: خانه ام نزدیک مسجد است و شب ها برای شرکت در اجتماع می آمدم تا اینکه یک شب دختر کوچکی را دیدم که برای حل مسئله ریاضی مشکل داشت و او را راهنمایی کردم.

از همان شب به ذهنم خطور کرد که محیطی برای آموزش در حاشیه مراسم فراهم شود. رنگ ساز که مدیر دبستان بیهقی است، توضیح می دهد: هر شب از ساعت ۹ تا ۱۱ در گوشه ای از خیابان به حداقل ۱۰ بچه درس می دهم.

اومی گوید: لذت می برم از دیدن بچه هایی که موقع خدا حافظی از من سؤال می کنند خانم! فردا هم هستم یا بیاییم؟ زهراسادت حسینی، دختری کلاس اولی است که با داستان کوچکش، تکالیفش را در کنار خانم رنگ ساز می نویسد. مادر زهرا می گوید: یادگیری حروف مشا به و یک صدا مانند «ز» یا «ت»، برای بچه ها به شکل مجازی، سخت است و او نمی تواند به درستی تشخیص دهد اما اینجا در کنار یک معلم، یادگیری او بهتر است.

نجمه موسوی زاده بعد از شهادت قائد امت اسلامی و حضور پر شور مردم در خیابان ها برای اعلام حمایتشان از رزمندگان مقاومت، یکی از نقاطی که اهالی محله امام رضا^(ع) مقابل آن تجمع کردند. مسجد امام رضا^(ع) در خیابان ملک الشعراء بهار ۳۸ بود.

حضور پر رنگ کودکان و نوجوانان همراه والدینشان در اجتماع مردمی سبب شد دو نفر از فرهنگیان محله به مسئول پاتوق دخترانه مسجد امام رضا^(ع) پیشنهاد دهند که برای دانش آموزان کلاس رفع اشکال درسی برگزار کنند؛ پیشنهادی که با استقبال گرم والدین و دانش آموزان همراه شد.

● مدرسه در مسجد

در گوشه ای از خیابان، فرش کوچکی پهن است. چند دختر و پسر دانش آموز با کتاب و دفتر دور خانمی حلقه زده اند و با دقت به صحبت هایش گوش می دهند.

زهراسادت حسینی، مسئول پاتوق دخترانه و عضو پایگاه بسیج مسجد، در این باره می گوید: بعد از اینکه از سوی وزارت آموزش و پرورش اعلام شد آموزش به صورت مجازی ادامه خواهد داشت، تصمیم گرفتیم فضایی برای آموزش دانش آموزانی که به اجتماع مردمی می آیند، ایجاد کنیم.

او ادامه می دهد: یکی از بانوان فرهنگی محله، داوطلب شد هر شب برای تدریس به دانش آموزان ابتدایی، در اجتماعات حضور داشته

عیدگاه

● دینم را با تدریس ادا می کنم

اتاق بسیج بانوان در مسجد، شب های زوج برای اشکال درس ریاضی به فاطمه اختریان و دختران دانش آموز متوسطه اول تعلق دارد. اختریان که امسال بازنشسته می شود، توضیح می دهد: فضای مجازی باعث شده است بچه ها اشکال زیادی در درس ریاضی داشته باشند. مسجد فضایی را فراهم کرد تا این اشکالات درسی را برطرف کنم.

او ادامه می دهد: ما مدیون افرادی هستیم که از این آب و خاک دفاع می کنند. من نیز می خواستم به سهم خودم قدر دان آن ها باشم؛ به همین دلیل داوطلب تدریس شدم.

حلم فرشیدی نیز در پایه هشتم درس می خواند. او که برای رفع اشکال درس ریاضی آمده است، تعریف می کند: دوست داشتم همراه پدر و مادرم در اجتماع شرکت کنم، ولی از درسم عقب می ماندم تا اینکه متوجه شدم چنین فضایی در مسجد مهیا شده است. حالا با خیال راحت تری شب ها به خیابان می آیم و در کنار پرچم گردانی به درس هایم می رسم.



○ ما هر شب در محله مان مقابل مسجد عباسی تجمع داریم. اما جمعه‌ها، تجمعی با نماز استغاثه به امام‌زمان(عج) برای پیروزی اسلام همراه است. جمعه قبل، جمعیت زیادی برای خواندن نماز در خیابان صف بسته بودند.

تصویر و متن از احمدرضا احمدیان، محله امام‌رضا(ع)



○ وقتی برای نماز به مسجد رفته بودم، متوجه شدم گروه دوام ثامن آمده است که برای خانم‌ها، کلاس شهروندآماده در زمان بحران برگزار کنند. کلاس که تمام شد، حس می‌کردم اگر در شرایط بحرانی قرار بگیرم، می‌توانم برای خودم و اطرافیان مؤثر باشم و جان‌نشان رانجات بدهم.

تصویر و متن از اعظم اخروی، محله مقدم



محله به روایت شما

○ هفته گذشته به همراه برخی از اعضای شورای اجتماعی محله در مراسم بهره‌برداری از رمپ اتصال بزرگراه شهید سلیمانی به بولوار نماز شرکت کردیم. خوبی حضور در این گونه مراسم این است که مسئولان شهری را از نزدیک می‌بینیم و اگر در محله مشکلی باشد که با پیگیری نتوانسته باشیم حلش کنیم، همان‌جا از مسئولان پیگیری می‌کنیم.

تصویر و متن از نرگس مطهری‌نژاد، عضو شورای اجتماعی محله بهشتی



○ هر شب وقتی می‌خواهیم وسط تجمع کمی استراحت کنیم، به موبک مسجد بیت الرقیه(س) می‌رویم. خیران و نمازگزاران این مسجد هر شب ایستگاه صلواتی دارند و به مردم چای می‌دهند.

تصویر و متن از حسین فغان‌پور، محله سیدی



○ اهالی محله عسکریه مانند دیگر محله‌ها هر شب به تجمع می‌روند. امور فرهنگی مذهبی مسجد امام حسن عسکری(ع) و کانون فرهنگی هنری شهید غلامحسین نظرجانی، هفته گذشته کارشناسانی از سازمان آتش‌نشانی دعوت کردند تا در حاشیه تجمع به مادر باره اطفای حریق آموزش بدهند.

تصویر و متن از علی نقیبی، محله عسکریه